



# پارچ و قارچ

- شراره وظیفه شناس
- تصویرگر: راحله برخوردار

روی میز، یک پارچ بود. روی پارچ، عکس یک قارچ بود. قارچ، خال خالی بود. زیر قارچ یک قالی بود. روی قالی یک سوسک و یک مورچه و یک کفشدوزک خال خالی نشسته بودند. نه بی حوصله بودند، نه خسته بودند. گل می گفتند و گل می شنیدند. با هم می خوردند هله هوله. یک دفعه از راه رسید بچه غوله. بچه غوله کی بود؟ آدمیزاد! یک آدم شکمو و شاد. سوسک و مورچه و کفشدوزک تا او را دیدند، ترسیدند. از جا پریدند. سوسکه دوید این ور قارچ. کفشدوزک دوید آن ور قارچ. مورچه هم رفت بالای بالا تا لبه ی پارچ...

